



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

THE  
NATIONAL  
INTEREST

## معنای سخترانی سالانه بایدن برای خاور میانه

جو بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا سخترانی محکمی را به‌عنوان سخترانی سالانه در کنگره انجام داد که تمایز جدی او را با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین و نمایندگان جمهوری خواه کنگره نشان می‌داد. بایدن سخترانی خود را با دفاع محکم از متحدان آمریکا در ناتو آغاز کرد و از کنگره خواست تا کمک‌های بیشتری را برای اوکراین تصویب کند. بایدن ذهن آمریکا را به سال ۱۹۴۱ و زمانی که آمریکا در آستانه ورود به جنگ جهانی دوم قرار داشت و مجبور بود عزم سیاسی‌اش را برای بازسازی نیروهای مسلح جزم کند، برد. امروز وضعیتی مشابه و آزمونی مشابه پدید آمده است. رئیس‌جمهور آمریکا باره‌ها به مردم کشورش یادآوری کرد که «تاریخ‌نگاره‌گر است» که چگونه این کشور به بحران‌ها واکنش نشان می‌دهد. بایدن گفت: «از زمان آبراهام لینکلن و جنگ داخلی، هیچگاه آزادی و دموکراسی ما درون کشور تا این اندازه در معرض حمله قرار نداشته است.» او گفت: «آنچه وضعیت کنونی را به شکل متمایزی نادر می‌کند این است که آزادی و دموکراسی هم در داخل و هم از خارج به صورت همزمان در معرض حمله قرار دارد.» این سخترانی یک لحظه حساس برای بایدن بود که به سختی تلاش می‌کند تا دستور کار خارجی و داخلی خود را از طریق یک کنگره دودسته پیش ببرد. مؤثرترین موضع بایدن در اواخر سخترانی او اعلام شد، جایی که تایید کرد ارتش آمریکا قصد دارد «یک اسکله موقتی در ساحل غزه» ایجاد کند تا محموله‌های آب، غذا و دارو به غزه برسد. بایدن تصریح کرد که این عملیات شامل اعزام نیروهای زمینی آمریکا به منطقه نمی‌شود و فقط با هدف رساندن محموله‌های بشردوستانه به غزه انجام می‌شود. بایدن در حالی که بر باور خودش در مورد حق اسرائیل برای دفاع از خود در مقابل حماس مجدداً تأکید کرد، وضعیت بشری جاری در غزه را هم محکوم کرد. او تأکید کرد: «به اسرائیل این‌را می‌گوییم: کمک‌های بشردوستانه نمی‌تواند اولویت ثانویه یا برگ بازی در مذاکرات باشد. حفاظت و نجات جان‌های بی‌گناه باید اولویت باشد.

وقتی به آینده نگاه می‌کنیم، تنها راه‌حل واقعی برای این شرایط یک راه‌حل دودلته در طول زمان است.» واشنگتن و شرکای عربش به این نتیجه رسیده‌اند که هم‌زمان با رویدادهای دردناکی که از ۷ اکتبر رخ داده است، اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در شرایطی نیستند که یک پیمان صلح را اکنون یا در آینده نزدیک در نظر بگیرند. همچنین معلوم شده است که تشکیلات خودگردان فلسطینی که توسط چندین دولت متوالی نتایج مانع مواجه شده است و رای دهندگان خودش به دلیل ناکارآمدی و فساد با آن مشکل دارند، توانایی اداره غزه را ندارند. اما در خاورمیانه مدرن، خلأ سیاسی همچنان باعث ایجاد خشونت و تروریسم می‌شود. در نتیجه ما همچنان نیازمند یک راه‌حل واقعی و گریانه‌مهم‌تر از آن عمل‌گراییه هستیم که بتواند در مقابل شورش‌های لاجرم پس از جنگ رخ می‌دهد، مقاوم بماند. تشکیلات خودگردان فلسطینی حتی در صورت نوسازی، ایده‌ای که توسط کاخ سفید دنبال می‌شود، نمی‌تواند غزه را بدون موافقت حماس به تنهایی اداره کند. حتی نابودی کامل توانمندی‌های استراتژیک حماس هم نمی‌تواند باعث از بین رفتن ایدئولوژی آن شود و ایران همچنان از این ایدئولوژی به‌ر شگلی که در بیاید، حمایت خواهد کرد. به عبارت دیگر بدون توجه به اینکه چه تعداد بمب روی غزه ریخته‌شود، سلطه ایران بر این منطقه باقی خواهد ماند. کاهش دادن این سلطه بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی آمریکا است. ایالات متحده نیازمند سیاستی واضح و غیرقابل تغییر در مقابل ایران است که درک کند اهدای استراتژیک تهران، یعنی بیرون انداختن آمریکا از خاورمیانه و نابودی دموکراسی اسرائیل، به صورت اساسی با منافع آمریکا در تضاد است. توماس فریدمن به خوبی در نیویورک تایمز توضیح می‌دهد: «نباید هیچ توهمی در مورد مخاطرات داشته باشیم، چرا که جنگ در سایه‌ای که در منطقه جریان دارد، هر لحظه می‌تواند با سرورصدای زیاد از سایه خارج شود.» «نهایتاً ما نیازمند رویکرد واقع‌گرا و شجاعانه آمریکا برای شناسایی نیاز فلسطینی‌ها به جایگزینی برای ایدئولوژی حماس و منازعه‌دانی هستیم که این ایدئولوژی را تأمین می‌کند. این جایگزین باید بتواند امید به اشتغال، مسکن، مدرسه و بیمارستان را تأمین کند. بر اثر رونق اقتصادی برای فلسطینیان مسلح پایدار و وجود می‌آید که امنیت و کرامت فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها را تأمین می‌کند.



دیپلمات  
های  
ایران

# دیپلمات امریکوفیل

کارنامه دیپلماتیک حسین علاء از واشنگتن تا وزارت دربار



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی



حسین علاء بیش از همه به‌عنوان وزیر دربار محمدرضاشاه پهلوی و دو دوره نخست‌وزیری‌اش شهرت دارد اما او بیش از هر چیزی یک دیپلمات بود. او در طول عمر هشتاد و چندساله‌اش، هفت بار به وزارت رسید؛ یک بار وکیل مجلس شورای ملی شد و در اواخر عمرش، به‌عنوان سناتور انتصابی در مجلس سنا، حضور یافت. همچنین به‌عنوان وزیر مختار ایران به کشورهای آمریکا، انگلستان و فرانسه رفت. یک بار نیز سفیر کبیر ایران در واشنگتن شد؛ دو بار در دو برهه حساس سیاسی کشور سمت نخست‌وزیری را به عهده گرفت: نخست در سال ۱۳۲۹ ش، که بسیاری از تحلیل‌گران، از دولت او به کابینه محلل یاد کرده‌اند؛ و بار دوم در سال ۱۳۳۴ ش، پس از برکناری سپهبد فضل‌الله زاهدی، که این‌بار تا آستانه قتل به دست فدائیان اسلام پیش رفت. او که در ماموریت‌های دیپلماتیک پدرش زاده شد و در ماموریت بیست‌ساله پدرش در سفارت لندن رشد کرد، باقی عمرش را نیز به کارهای دیپلماتیک مشغول بود. اما بر خلاف پدر که آنگلو فلیسی مقهور قدرت بریتانیا بود با تجربه تحقیر ایران در عرصه بین‌الملل به شدت از بریتانیا منزجر و متنفر بود و با روس‌ها نیز سرسازگاری نداشت؛ تنفر و ناسازگاری‌ای که در گزارش‌های دیپلماتیک مامورین بریتانیایی نیز بازتاب یافته است. او راه را در یافتن متحدی جز روسیه و بریتانیا یافته بود؛ راهی که بسیاری از رجال میهن‌دوست دوره قاجار و پهلوی به دنبال آن بودند و علاء نیروی سوم را در قدرت نوظهور آن سوی دریاها یافت؛ اوتانازی یا ایالات متحده آمریکا.

## از تقیلس تا لندن

حسین علاء در سال ۱۲۶۲ در تقیلس از محمدعلی‌خان علاءالسلطنه (پرنس) و هما خانم عظمه‌الدوله دختر مجدالملک سینکی متولد شد؛ زمانی که پدرش برای ماموریت در تقیلس بود. همین تقیلس مقدمات ارتقاء پدرش را فراهم کرد؛ زمانی که در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا استقبالی در خور از شاه ترتیب داد و توانست سفارت مهم لندن را از آن خود کند. در لندن نیز استقبال و مهمان‌نوازی از مظفرالدین شاه بود که علاءالسلطنه را به مقام وزارت رساند. او به هنگام ماموریت پدر در انگلستان تحصیل خود را آغاز کرد و در مدرسه معروف «وست مینستر» مشغول به تحصیل شد. او در سال ۱۲۸۰ به دانشکده حقوق لندن پا نهاد و سرانجام در سال ۱۲۸۴ فارغ‌التحصیل شد. حسین خان در هفده سالگی به استخدام وزارت امور خارجه ایران درآمد و با سمت آتاشه (وابسته) سفارت ایران در لندن، در کنار پدرش مشغول به کار شد. پس از مدتی نایب سوم و بعد نایب دوم آن سفارت شد. زمانی که میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، نخستین رئیس‌الوزرا مشروطه، محمدعلی‌خان علاءالسلطنه را از وزیر مختاری ایران در لندن به تهران فراخواند و وزارت امور خارجه را به او واگذار کرد، حسین نیز همراه پدر به تهران آمد. برادر بزرگش، مهدی‌خان معین‌الوزرا که بعدها لقب مشیرالملکی گرفت، به جای پدر در لندن کار سفارت را برعهده گرفت. حسین خان در تهران ریاست دفتر وزیر امور خارجه را برعهده گرفت و لقب معین‌الوزرا که پیش‌تر، از آن مهدی‌خان بود به حسین خان رسید و او ملقب به «حسین‌خان معین‌الوزرا» شد. عبدالله مستوفی در توصیف موقعیت میرزا حسین‌خان معین‌الوزرا در دفتر وزارت امور خارجه می‌نویسد: «فارغ‌التحصیلان مدرسه علوم سیاسی، نقطه اتکای دیگری در وزارت‌خانه [امور خارجه] داشتند و آن معین‌الوزرا، رئیس کابینه وزیر بود که الحق جوان‌ها را زیر پر خود گرفته و خود علاءالسلطنه، وزیر امور خارجه هم به واسطه آقای علاء [معین‌الوزرا] نسبت به آنها از حمیت

دریغ نمی‌کرد.» در همین سمت بود که از سوی دولت ایران مأموریت یافت به موجب پذیرش اولتیماتوم دولت روس، حکم عزل مورگان شوستر آمریکایی را از سمت مستشار مالی ایران، به وی ابلاغ کند. این نخستین ارتباط جدی با آمریکایی‌ها و البته مورگان شوستر بود. حسین‌خان در هنگام ابلاغ حکم اخراج به شوستر بی‌شک مانند اکثر رجال میهن‌دوست آن عصر با شوستر همراه و همدل بود و همین پایه دوستی میان این دو شد که بعدها نیز به کار آمد. حسین‌خان نیز مانند پسر خاله‌اش احمد قوام به شوستر علاقه‌مند بود و او را مردی ایران‌دوست و خادم ایران می‌شناخت. با شروع جنگ جهانی اول که ایران عرصه تاخت‌وتاز قدرت‌های درگیر شد، حسین‌خان معین‌الوزرا که ریاست کابینه وزارت امور خارجه را بر عهده داشت، نقش حساسی در مذاکرات سیاسی بین نمایندگان ایران و خارجی ایفا می‌کرد.

معین‌الوزرا برای نخستین بار در کابینه میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک به‌عنوان وزیر فوائد عامه تعیین و به مجلس شورای ملی معرفی کرد. در آغاز، نام وزارت‌خانه را به وزارت فلاحه و تجارت تغییر داد و اقدامات مؤثری را رقم زد. وزارت فلاحه و تجارت از جهت مسائل اقتصادی اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. در مدت هشت ماهی که علاء در این سمت قرار داشت، ابتدا از وزارت خارجه خواست که اطلاعات جامعی درباره تجارت ایرانی و خارجی که با ایران داد و ستد دارند را به اطلاع آن وزارت‌خانه برسانند و همچنین کسول‌ها و نمایندگان دولت ایران درباره مسائل فلاحه و تجارتی اطلاعات مفید را از سراسر جهان جمع‌آوری کنند و گزارش دهند. از فرانسه نیز دو نسخه از اوراق و فهرست راجع به اداره آنتانتس تیک جمهوری فرانسه و بدلیه شهر پاریس تقاضا کرد؛ از کلکته نقشه و مجلاتی که در هند درباره اوضاع اقتصاد و تجارت ایران و هندوستان طبع شده باشد و از انگلستان به‌خصوص علاوه بر اطلاعات فوق، راپرت عملیات سالیانه بانک شاهنشاهی و ادارات کمپانی، سیم تلگراف هند و اروپا و گزارش‌های شرکت‌های انگلیس و ایران را خواست. همچنین قوانین مربوط به مسائل را نیز ارسال کنند و در فکر استخدام چند متخصص فلاحه و تجارت از کشورهای هلند، دانمارک و سوئیس باشند. در ضمن او درصدد بود تا مدرسه‌ای برای پیشرفت امور تجارت و فلاحه تأسیس کند و معلمینی از این سه کشور برای این مدرسه استخدام نماید. علاء برای دیدار با مورگان شوستر به نیویورک رفت تا از کمک او برای توسعه صنایع ایران بهره‌مند شود. هر چند شوستر مایل بود باز به ایران بازگردد اما در نهایت پیشنهاد می‌دهد که در آمریکا برای جذب سرمایه‌گذار و صاحبان صنایع به علاء کمک کند. علاء می‌نویسد: «بنده هم پیشنهاد او را به جهت عدیده مغتنم شمرده و تصور کردم که در دست داشتن او بهتر است، چه اولاً